



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

جلوه‌هایی

از اندیشه سیاسی

امام حسین علیه السلام

در سخنرانی منا

قربانعلی دری نجف آبادی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلوه‌هایی از اندیشه سیاسی امام حسین علیه السلام در سخنرانی منا

نویسنده:

قربانعلی دری نجف آبادی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	جلوه‌هایی از اندیشه سیاسی امام حسین علیه السلام در سخنرانی منا
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	پیشگفتار
۷	نامه و پاسخ استيضاح گونه امام به معاویه
۹	دعوت در منا و اتمام حجت
۱۰	خطبه در منا
۱۰	اشاره
۱۱	درس‌ها و عبرت‌ها
۱۵	اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر
۱۶	جایگاه و مسؤولیت خطیر دانشمندان
۱۷	ریشه‌ها و علل ترک امر به معروف و نهی از منکر
۱۷	نتایج و آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر
۱۸	مجاری امور و احکام و حکومت اسلامی، به دست دانشمندان الهی است
۱۹	اهداف حکومت اسلام
۲۰	اهداف نهضت عاشورا
۲۲	شیوه‌های مبارزاتی امام حسین
۲۴	پاورقی
۲۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## جلوه‌هایی از اندیشه سیاسی امام حسین علیه السلام در سخنرانی منا

### مشخصات کتاب

عنوان: جلوه‌هایی از اندیشه سیاسی امام حسین علیه السلام در سخنرانی منا

پدیدآورندگان: امام سوم حسین بن علی (ع) (توصیف گر)

دری نجف آبادی، قربانعلی، ۱۳۲۴- (پدید آور)

وضعیت نشر: قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: تاریخ اسلام

اندیشه های سیاسی

قیام عاشورا

منا

### مقدمه

امام حسین (ع) در نهضت عاشورا اندیشه سیاسی خود را به نمایش گذاشت که از بهترین و آموزنده‌ترین درس‌های تاریخ اسلام به شمار می‌رود. در این مقاله نویسنده برای نشان دادن جلوه‌هایی از این اندیشه ناب، سه نمونه از موضع‌گیری‌های امام (ع) را مختصراً مطرح کرده و خطبه معروف ایشان در سرزمین منا در باره فراخوانی به امر به معروف و نهی از منکر را توضیح می‌دهد. ایشان درس‌ها و عبرت‌های بیان شده در این خطبه را برشمرده و با الهام گرفتن از آن، جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، مسؤلیت بزرگ علما، علل و آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر و اهداف نهضت عاشورا و حکومت اسلامی را تبیین می‌کند. محور اصلی مقاله، خطبه سیدالشهدا (ع) در منا می‌باشد ولی نویسنده محترم در ترسیم جلوه‌هایی از اندیشه سیاسی حضرت، به برخی نکات دیگر نیز پرداخته است که طبعاً می‌تواند فضای سیاسی و اجتماعی ایراد خطبه را روشن‌تر کند.

### پیشگفتار

تاریخ گذشتگان، چراغ راه آیندگان است. تاریخ عبرتگاهی آموزنده است که راه عزت و ذلت و صعود و سقوط را به ما می‌آموزد. کسی که گذشته خود را خوب شناسد و آن را درست تجزیه و تحلیل نکند، در راه رسیدن به قله‌های کمال و سربلندی، دچار مشکل خواهد شد. تاریخ صدر اسلام و تحولات دهه‌های آغاز قرن اول و حوادث دل‌خراش پس از آن، تا فاجعه غم‌انگیز عاشورا، با فراز و نشیب‌های فراوانی روبه‌رو است که تجزیه و تحلیل منطقی و خردمندانه آن، می‌تواند اولاً راه درست و صراط مستقیم هدایت الهی را به ما بیاموزد، ثانیاً ما را با حقایق اسلام، بهتر آشنا کند، ثالثاً به ما درس دین‌داری و امام‌شناسی بیاموزد و رابعاً ما را در انتخاب راه آینده بهتر، هدایت و راهنمایی کند. در این میان، یکی از درخشان‌ترین، مؤثرترین و حساس‌ترین وقایع (نیمه دوم) قرن

اول، نهضت امام حسین (ع) است. شناخت نهضت عاشورا و ابعاد و اهداف و رسالت آن، خود از بهترین و آموزنده‌ترین درس‌های تاریخ اسلام و تشیع و چراغی همیشه تابناک، فراروی آزادی‌خواهان است. بدون شک، پرچم‌دار نهضت عاشورا، حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) است، که پرچم امامت و ولایت را از حدود سال‌های ۴۹ - ۵۰ هجری قمری و پس از شهادت برادر بزرگوارش، امام مجتبی (ع) به دوش گرفته و سکان‌دار کشتی امامت و ولایت است. حادثه کربلا - و قیام عاشورا پس از مرگ معاویه و در فاصله حدود پنج ماه و نیم اتفاق افتاد. اکنون پرسش این است که حدود ده سال نخست دوران امامت حضرت سیدالشهدا چگونه گذشته است و چرا پیش از آن، قیامی صورت نپذیرفته است؟ گرچه ما اطلاع چندانی از آن دوره نداریم، اما اخبار جسته گریخته‌ایی که به دست ما رسیده است، نشان دهنده موضع صریح، روشن، قاطع و کوبنده آن بزرگوار، در برابر طاغوت زمان و ماهیت حکومت پلید اموی است. در این باره، نمونه‌های ارزنده‌ای از مکاتبات، سخنان کوتاه و روایات، گفت‌وگو، خطبه‌ها، روش‌ها، سجایا، اشعار و دعاها به ما رسیده است که هر یک، نشان‌گر بُعدی آموزنده و هدایت‌گر از شخصیت والا و ملکوتی آن امام همام است. در این جا به بیان سه نمونه از موضع‌گیری‌های آن حضرت، که بیش‌تر مربوط به سفر حج است و در سرزمین منا اتفاق افتاده، می‌پردازیم. سفر حج همواره یک فرصت ارزنده برای امت اسلامی و زعامت و رهبری امت اسلامی بوده و هست. سفر حج کنگره بزرگ و جهانی اسلام است که تابلوی عزت و عظمت اسلام و وحدت امت اسلامی، هم‌بستگی تک‌تک دل‌ها با یکدیگر و همگان با کعبه و رهبری جهان اسلام، طواف بر مدار وحدت، استقلال، توحید، عزت و عظمت، تبری از کفر و شرک و نفاق و تولی با خدا، اولیای خدا و بندگان خدا است که «و حَسَنَ اَوْلٰئِكَ رَفِیْقًا». [۱]. محور سفر حج، از دیدگاه معارف اسلام و اهل بیت، ولایت و رهبری امت اسلامی است که هدایت و تربیت و تبیین سیاست‌های جهان اسلام و نیز رمز و راز تفاهم، تعامل، امنیت، اقتدار جهان اسلام و نوع مقابله با بیگانگان را ترسیم می‌کند. از حکمت‌های مهم سفرهای حج و عمره، که از اهل بیت عصمت و طهارت نقل شده، توجه به مسائل یاد شده بوده است؛ از جمله نقل شده است که امام مجتبی (ع) بیست و پنج بار که بیست بار آن، با پای پیاده بوده و حضرت سیدالشهدا (ع) نیز بیست و پنج بار به زیارت خانه خدا مشرف شده‌اند. واضح است که در عمر نیم قرنی حضرت سیدالشهدا (ع) پس از وجود مبارک رسول الله (ص) امکان این تعداد سفر حج و عمره، از مدینه منوره به مکه معظمه، مسأله پیچیده‌ای نیست و اهداف بلند و فراوان معنوی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز در برداشته است؛ زیرا از فرصت مناسبی برای ارتباط با جهان اسلام و گسترش معارف الهی، روشن‌گری مردم، افشاگری و استیضاح دستگاه غاصب حکومت، بیان احکام نورانی اسلام، و دفاع از اسلام و اهل بیت، تبیین مواضع بر حق امامت و ولایت و پاسداری از حریم حق و عدالت برخوردار بوده است. برای درک بهتر فضا و شرایط آن عصر و نیز نقش و جایگاه اهل بیت، به ویژه حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) لازم است مبارزه گسترده حکام اموی با اسلام، اهل بیت و فرهنگ اصیل اسلامی، در ابعاد گوناگون، مانند موضع‌گیری‌ها، مهره‌چینی‌ها و تحریم‌ها و محدودیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آل‌البیت ملاحظه شود؛ چنان که در چنین شرایط و فضایی باید به نقش و جایگاه امام مجتبی (ع) و حضرت سیدالشهدا (ع) و نیز اصحاب و انصار فداکار اهل بیت پرداخت و رمز و راز مبارزات، ایثارگری‌ها و شهادت‌طلبی‌ها را بهتر شناسایی و ارزیابی کرد. در این جا برای شناخت بهتر ابعاد تحرک سیاسی و مبارزاتی و اقدامات حضرت سیدالشهدا (ع) - چنان که گذشت به بیان سه نمونه از موضع‌گیری‌های امام پرداخته و توضیحاتی در این باره ارائه می‌کنیم که خود، گویای برنامه‌ها، اهداف و راهبرد آن حضرت، در رویارویی با دستگاه استبدادی بنی‌امیه است. الف. نامه به معاویه (پاسخ و استیضاح معاویه) ب. مُنَاشَدَه در منا (دعوت از خواص و نخبگان) ج. خطبه در منا (فراخوانی برای امر به معروف و نهی از منکر)

### نامه و پاسخ استیضاح گونه امام به معاویه

معاویه در ضمن نامه خود به آن حضرت نوشت: «فاتق شق عصا هذه الامة و ان یردهم الله علی یدیک فی فتنه فقد عرف الناس و

بلوتهم فانظر لنفسك و لدينك و لامة محمد و لا يستخفنك السفهاء و الذين لا يعلمون. [۲] پس، از شق عصای مسلمان‌ها پرهیز و موجب تفرقه و اختلاف نشو و مردم را در فتنه و گمراهی نیفکن! تو مردم را می‌شناسی و آنان را آزموده‌ای. پس به فکر خود و دینت و امت محمد باش و فریب سفیهان و فرومایگان و آنان را که چیزی نمی‌دانند، نخور! این سخنان، گوشه‌ای از تبلیغات ناروا و تهمت‌ها، تهدیدها و دشنام‌ها به فرزند برومند رسول اکرم (ص)، حضرت سیدالشهدا (ع) است که در آن، معاویه بر اساس گزارش ناروای مروان حکم و سخن‌چینی عناصر فرصت‌طلب، زشت‌ترین تعبیرها را به کار می‌برد. امام (ع) در پاسخ به وی، در نامه مفصلی، به عملکرد معاویه به شدت حمله می‌کند و او را به علت رفتار ناشایست و ناپسندش ملامت می‌کند و رسالت الهی و رهبری خود را انجام داده، تذکراتی مشفقانه و نصیحتی دوستانه و انتقاداتی پدرانانه را یاد آور می‌شود، اعمال زشت و ناروای او را گوشزد می‌کند، جنایت وحشیانه بانداموی را بر می‌شمرد و اعمال خشونت‌آمیز و مستبدانه او را در کشتن ابرار و اولیای خداوند و هتک نوامیس امت اسلامی و بندگان صالح خداوند، یاد آور می‌شود و بدعت‌ها، تحریف‌ها، جنایت‌ها و خیانت‌های دستگاه پلید اموی و شجره ملعونه مذکور در قرآن کریم را بر می‌شمرد؛ از جمله می‌فرماید: «ألسنت قاتل حجر و اصحابه العابدین المخبثین الذین كانوا يستفزعون البدع و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر فقتلتهم ظلماً و عدواناً من بعد ما اعطيتهم الموائیق الغلیظة و العهود الموكدة جرأة علی الله و استخفافاً بعهدہ...» [۳]. «مگر تو قاتل حجر بن عدی و اصحاب نماز گزار و عابدان فروتن و پرهیزگار نیستی؟ همان‌ها که همواره با بدعت‌ها در ستیز بودند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند و تو از روی ستم و دشمنی، آنان را به شهادت رساندی، پس از آن که سوگندهای غلاظ و شداد خوردی و پیمان بستی که درباره ایشان مکر و خدعه روا نداری و پیمان نشکنی؛ اما بر خداوند متعال تجری کردی و حقوق او را سبک شمردی و با جرأت بر خداوند و استخفاف حق او، این جنایت‌های وحشیانه را مرتکب شدی. شگفتا! آیا تو نیستی قاتل عمرو بن حمق، هم‌نشین و صحابی رسول الله (ص)، بنده صالح خداوند که عبادت و بندگی خدا او را پیر و فرسوده کرده بود و جسمش لاغر و رنگش از کثرت عبادت، زرد شده بود، پس از آن که او را امان دادی و پیمان‌ها و عهدهای موثقی به او دادی که اگر به پرنده‌ای آن عهود و موثیق را می‌دادی، از کوه پایین می‌آمد و بر تو فرود می‌آمد؟ آن‌گاه با آن همه عهد و پیمان، او را به شهادت رساندی، از روی تجری و جرأت بر خداوند جبار و از روی استخفاف عهد و پیمانی که بسته بودی. به راستی ای معاویه! آیا تو نیستی مدعی زیادبن سمیه، که او را فرزند پدرت دانستی و نام نهادی و حال آن که رسول اکرم فرموده‌اند: «الولد للفراش و للعاهر الحجر». پس تو سنت رسول الله را عمداً ترک کردی و از هوای نفس خود، بدون هدایت الهی پیروی کردی. آن‌گاه او را به امارت کوفه و بصره منصوب کردی تا دست و پای مسلمانان را ببرد و چشم‌های آنان را در بیاورد و آنان را بر شاخه‌های درختان خرما به دار آویزد؛ همان‌طور که فرعون با بنی اسرائیل می‌کرد. گویا تو از این امت نیستی و این امت از تو نیستند. آیا تو قاتل حضرمی نیستی که فرزند سمیه، بسیار دربارہ او به تو نوشت که بر دین علی هست و دین علی - به خدا سوگند - همان دینی است که پدرم تو را برای پذیرفتن آن با شمشیر می‌زد و با شما جهاد می‌کرد تا از شرک به اسلام روی آورید و امروز بر همان اساس، بر مسند خلافت مسلمانان تکیه زده‌ای و این جایگاه را تصاحب کرده‌ای و اگر جهاد و شمشیر علی نبود، شرف تو و پدرت سختی و رنج‌های تجارت بین مکه و شام و چارواداری بود، نه حکومت و سلطنت بر امت اسلامی. تو مرا نصیحت کرده‌ای که به حال خودم و دینم و امت محمد فکر کنم و از شق عصای مسلمانان پرهیزم و از این که آنان را در فتنه قرار دهم، بر حذر باشم! من فتنه‌ای بزرگ‌تر از فتنه خلافت تو بر این امت سراخ ندارم و دیدگاهی برتر از جهاد با تو برای خودم و دینم و امت جدم، محمد مصطفی نمی‌شناسم و اگر این کار را بکنم، همانا آن را قربه‌الی الله می‌دانم و اگر آن را رها کنم، استغفار نموده و از خداوند عذرخواهی می‌کنم و از او می‌خواهم که توفیق لازم برای هدایت امور عنایت فرماید. ای معاویه! تهدید به کید و مکر کردی، هر کید و مکاری داری، انجام بده. به جانم سوگند که تو همواره و از قدیم با صالحان مکر ورزیدی و امید است مکر تو زبانی نرساند، مگر به خودت. ای معاویه! آماده قصاص باش و بدان که هیچ کار کوچک یا بزرگی، از دید



کاتبان و حساب‌گران الهی به دور نمی‌ماند و خداوند فراموش نمی‌کند که چه بی‌گناهی را به اتهام و گمان کشته‌ای و خون پاکان را ریخته‌ای و چگونه یزید، پسر شراب‌خوار و سگ‌بازت را بر مردم امیر ساختی.» واضح است که این گونه تذکرات، هشدارها، پندها و اتمام حجت‌ها، در قلب سخت‌تر از سنگ معاویه، کم‌ترین تأثیری نمی‌گذاشت و او چیزی جز قدرت و ریاست و جاه‌طلبی، نمی‌شناخت. او در کینه و دشمنی با خاندان پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و یاران آن بزرگوار، در حد افراط بود و برای زمینه‌سازی تصاحب قدرت، توسط فرزند پلیدش و تداوم سلطنت اموی، به هر وسیله‌ای متوسل می‌شد و از هر ابزاری استفاده می‌کرد. معاویه برای حفظ تاج و تخت خود و انتقام از خاندان عصمت، وحشیانه و دیوانه‌وار عمل می‌کرد؛ زیرا دوستی دنیا و ریاست و قدرت، چشم را کور و گوش را کر و دل را می‌میراند و قدرت تشخیص را از انسان می‌گیرد. امام (ع) در ادامه این نامه می‌فرماید: نامه‌ها را چاپلوسان و سخن‌چینان و تفرقه‌افکنان و دین‌فروشان نوشته‌اند، آنان که منافع خود را در خطر می‌بینند و هدفی جز قدرت و تسلط ندارند. من اراده جنگ و مخالفت و خروج بر تو را ندارم؛ ولی از ترک جهاد و مخالفت با تو و حزب اموی، که ستم‌گر و منحرف و ملحد و از اولیای شیطانند، خوفناکم و از خداوند می‌ترسم.

### دعوت در منا و اتمام حجت

الغدیر، ج ۱، ص ۳۹۸ به بعد. همانا این طایفه با ما و شیعیان ما روا داشته است آن‌چه شما دیده‌اید و علم دارید و شاهد هستید. این خطبه، همان طور که گفته شد، یک یا دو سال پیش از مرگ معاویه ایراد شد و این در حالی بود که معاویه با همه توان تلاش می‌کرد تا یزید را بر مسند خلافت بنشانند و امام (ع) را به تسلیم و سازش یا سکوت و عدم عکس‌العمل وا دارد. امام (ع) با به کار بردن جمله «ان هذا الطاغیة» آب پاک را روی دست همه ریخت و ماهیت باند اموی را افشا کرد و آنان را کانون فتنه و فساد و غرور و جهالت و استبداد معرفی کرد. آن‌گاه گوشه‌هایی از عملکرد معاویه را بیان کرد، البته عملکردی که در برابر دیدگان همه بود و بر کسی پوشیده نبود. آنان در انجام دادن اعمال زشت، خشن و ضد اسلامی و ضد انسانی خود به نام اسلام نیز پروایی نداشتند و در کمال بی‌حیایی و آشکارا اعمال فاسقانه و منافقانه خود را انجام می‌دادند. بر منبرها و در رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی نیز اعمال منکر و فاسقانه آنان به عنوان افتخارات دستگاه خلافت معرفی و ترویج و تبلیغ می‌شد. معروف به منکر تبدیل شده بود و منکر به معروف. فسق رواج داشت و ایمان و عدل، در انزوا و در پرده. اکنون تقاضای من این است که شما رابه خداوند و حقوق او و حقوق رسول‌الله بر شما و حق قرابت و خویشاوندی من با رسول اکرم، مطالب را بنویسید و ضبط کنید و چون به شهر و دیار و قبیله‌های خود باز گشتید، هر کس را که به او اطمینان و اعتماد دارید و مورد وثوق شما است، به آن‌چه از حق و حقیقت و حقوق آل‌البیت می‌شناسید، دعوت کنید و حقایق را برای آنان باز گوید تا نخبگان و اصحاب سرّ و شخصیت‌های علمی و سیاسی و فرهنگی جهان اسلام و علما و ائمه جمعه و جماعت، از این مسائل آگاهی یابند و با نقشه‌ها و توطئه‌ها و برنامه‌های باند اموی و اهداف شوم آنان آشنا گردند و مانع تحقق آن شوند و اجازه ندهند که به نام اسلام، کمر به نابودی اسلام بسته شود و... «فانی اتخوف ان یدرس هذا الامر و یدهب الحق و یغلب و الله متم نوره و لو کره الکافرون».[۴]. سخنان امام (ع) در منا در باره هجده فضیلت از علی بن ابی‌طالب و خاندان عصمت (ع) و نیز عملکرد معاویه و باند اموی، ماهیت ضداسلامی آنان را افشا کرد و علما و بزرگان اصحاب را در جریان مکر و خدعه آنان قرار داد. در مقدمه این سخنان آمده است که امام (ع) همواره به دنبال فرصت بود تا مسلمانان را بسیج کند و بانگ بیدارباش بر آنان بزند و آنان را از خطر امارت یزید برحذر دارد و از خطرات آینده آگاه سازد. از جمله این سخنان روشن‌گر و آگاهی‌بخش و اتمام حجت‌ها این بود که حضرت فرمود: «أنشدکم الله أتعلمون انّ علی بن ابی‌طالب کان اخا رسول الله...». عقد اخوت امیرالمؤمنین (ع) با رسول اکرم (ص) و این که در آغاز هجرت، هنگامی که رسول‌الله (ص) بین مهاجرین و انصار، اخوت و برادری برقرار کردند، بین خود و امام علی (ع) نیز پیوند اخوت بستند، یکی از آن موارد بود. یکی دیگر از موضوعاتی که حضرت

اباعبدالله (ع) بیان فرمود، مسأله «سد ابواب» بود، که پیامبر (ص) در ورودی همه منازل را به مسجد، بستند، به جز در خانه امیرالمؤمنین (ع) را و فرمود: «ان الله امرنی ان ابنی مسجداً طاهراً لایسکنه غیری و غیر اخی و بنیه»؛ یعنی خداوند به من فرمان داده که مسجدی پاک و طاهر بنا کنم و هیچ کس جز من و برادرم و فرزندانش در آن مسکن نگزیند. آن حضرت، علی‌رغم اصرار خلیفه دوم، که تقاضا داشت حتی به اندازه نورگیری کوچک، از منزلش به مسجد باز باشد تا امکان نگاه کردن برای او فراهم باشد، اجازه این کار را به او ندادند. هم چنین امام (ع) در باره مسأله غدیر خم و انتصاب امیرالمؤمنین (ع) به امامت و ولایت سخن گفت و واقعه مهم غدیر و پیمان ولایت و امامت را چنین گوشزد فرمود: «... اتعلمون ان رسول الله نصبه یوم غدیر خم فنادی له بالولایة و قال لیبلغ الشاهد الغائب». امام (ع) غیر از آن چه گذشت، موضوعات مهم دیگر مانند حدیث منزلت، پرچم فتح در روز خیبر و سخنان رسول اکرم (ص) درباره حضرت علی (ع) (رجل یحبه الله و رسوله و یحب الله و رسوله)، (کزار غیر فرار یفتحها الله علی یدیه...)، مسأله مباحله با نصارای نجران و آیه مباحله، ابلاغ سوره براءت و ده‌ها موضوع مهم دیگر را، که نشان‌دهنده احترام ویژه حضرت علی (ع) نزد رسول الله (ص) و قرب به خداوند و حرمت و کرامت والای او نزد رسولش بود، بیان فرمود و در هر بخش، حاضران به حرمت و قداست و عظمت و شایستگی امام (ع) اعتراف می‌کردند و بر صحت و اتقان سخنان ایشان مهر تأیید می‌زدند. از جمله، امام (ع) فرمود: پیامبر اکرم، در آخرین خطبه‌ای که ایراد کردند، فرمودند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و اهل بیتی فتمسکوا بها لن تضلوا». این سخنان نورانی را برخی در هجده محور نقل کرده‌اند. البته در اصل روایتی که سلیم بن قیس آن را نقل کرده و در احتجاج طبرسی، بحارالانوار، و عوالم نیز نقل شده است، امام (ع) خطوط کلی فراوان و همه موضوعاتی را که در قرآن کریم درباره ایشان نازل شده، بیان فرمود و برای حاضران تفسیر کرد و آن‌چه را پیامبر اکرم (ص) درباره او و پدر و مادر و اهل بیت مکرّمش فرموده بود، توضیح داد. با این روشن‌گری و تبیین حقایق و معارف اسلامی و قرآنی، در باره اهل بیت عصمت و طهارت و تأکید بر نگرانی‌ها، دغدغه‌ها، خطرها و تهدیداتی که از سوی دستگاه جبار اموی، متوجه اسلام و اهل بیت می‌شد، اندیشمندان و صاحب‌نظران و رجال دینی و سیاسی امت اسلامی، موظف شدند که مسائل را به امت اسلامی منتقل کنند و مردم را از حوادث و تحولات دنیای اسلام و نگرانی‌های جدی حضرت سیدالشهدا (ع) و خاندان نبوت و وحی، آگاه سازند و با بیدار باش افکار عمومی و اطلاع‌رسانی به جا و به موقع و تبلیغ صحیح دین، جلو سم‌پاشی و جنگ روانی و نقشه‌های شوم و خائنانانه دستگاه خلافت گرفته شود و راه بیداری و نهضت عظیم اسلامی، در جهت حاکمیت اسلام و نفی طاغوت، هموار گردد.

## خطبه در منا

### اشاره

تلاش معاویه، نقض پیمان خود با امام مجتبی (ع) بود و به آن قرارداد هرگز عمل نکرد. وی در سخنرانی خود در کوفه نیز این مطلب را اعلان کرد و سپس تلاش مضاعفی را انجام داد تا با حيله و تزویر و سرکوب آزادی‌خواهان و اصحاب امیرالمؤمنین (ع)، راه را برای اهداف شوم و فریب مردم و تحمیل یزید، هموار سازد. در این میدان، تنها شخصیت والای امام حسین (ع) بود که خطرها را با چشم بصیرت و نور معرفت می‌دید. و در برابر چنین توطئه و خطری احساس درد و رنج می‌کرد و برای خنثا سازی این فتنه و خیانت به امت محمد (ص) برنامه‌ریزی می‌نمود. این اقدام امام (ع) با برنامه ریزی، تیزبینی، آینده‌نگری، شجاعت و صلابت بی‌نظیری همراه بود. از این رو، از نخبگان، اصحاب، انصار، برجستگان اهل بیت و دیگر افراد امت اسلامی، در کنگره عظیم حج دعوت به عمل آورد. امام (ع) در نامه قبلی خود به معاویه نوشت: من اراده جنگ و مخالفت و خروج بر ضد تو را ندارم؛ ولی از ترک جهاد و مخالفت با تو و حزب پلید اموی و وابستگان و عمال و ایادی ظالم تو، که حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال

می‌کنند و پیروان شیطانند، نگران بوده و از خداوند می‌ترسم. در فرصت فراهم شده در کنگره حج و با برنامه‌ریزی و دعوت و تدارک لازم و چه بسا دعوت قبلی از سران و علما و شخصیت‌های دنیای اسلام، اکنون فرصت خوبی بود که امام (ع) پیام خود را از سرزمین منا به گوش جهان اسلام برساند و چه بسا بهترین کار نیز این بود که بسیار حکیمانه، آگاهانه و مدبرانه، نخبگان و خبرگان و اصحاب خاص رسول الله (ص) و رجال دنیای اسلام، در جریان مسائل مورد نظر آن بزرگوار و شرایط عمومی دنیای اسلام قرار گیرند و حقایق بازگو شود و خطر و توطئه‌های دستگاہ اموی افشا شود. خطبه منسوب به امام حسین (ع) در کتاب شریف تحف العقول آمده است؛ [۵] ولی متأسفانه مؤلف ارجمند، برای اقتصار یا اعتماد یا به هر علت دیگر، اسناد احادیث را ذکر نکرده و آن‌ها را به صورت مرسل آورده است. وانگهی محل و شرایط ایراد این خطبه شریف نیز ذکر نشده است که آیا واقعاً حضرت این خطبه را در منا ایراد فرموده است یا در سرزمین دیگری. ذیل این خطبه نیز با بیانی در نهج البلاغه در خطبه ۱۳۱ مطابقت دارد و ظاهراً تردیدی نباید کرد که خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه توسط وجود مبارک امیرالمؤمنین (ع) بیان شده است. از این رو، گفته شده است که چه بسا خطبه مذکور در تحف العقول، از سخنان امیرالمؤمنین (ع) بوده و استناد آن به امام حسین (ع) چندان قوی نباشد (صاحب تحف العقول این احتمال را نیز روایت کرده است)؛ اما متن خطبه، نشان‌دهنده اعتبار و استحکام آن است و با سخنان، شخصیت و روش و منش امام حسین (ع) هماهنگی دارد؛ زیرا مانند نهج البلاغه، که متن آن، دلیل بر سند آن است، دیگران ناتوان‌تر از آنند که هم‌چون حضرت علی و اهل بیت سخن بگویند و یا معارف اسلام را تقریر کنند؛ زیرا سخنان ایشان فراتر از کلام مخلوق و فروتر از کلام خالق است. این خطبه نیز از چنین وزانت و اعتباری برخوردار است و از صلابت لفظ، استواری و اتقان معنا، انسجام ظاهر و باطن و پیوند ناگسستنی با عمق معارف اسلام و اهل بیت حکایت دارد. غیر از این که مضامین بلند آن، در دیگر سخنان امام حسین (ع) و پدر بزرگوارش فراوان به چشم می‌خورد و از آن خطبه‌هایی است که لفظ، دلیل بر معنا است و ظاهر نشان از باطن می‌دهد. اشاره‌ها، رمزها، روشن‌گری‌ها و افشاگری‌های آن نیز خود بهترین دلیل است که از عهده دیگران ساخته نیست و دهان دیگران کوچک‌تر از آن است که مانند این سخنان را بر زبان جاری کند و یا مانند این معانی و مفاهیم را در قالب الفاظ بریزد و یا با این عمق، مفاهیم و معارف اسلامی و قرآنی را پیوند بزند و یا فلسفه تاریخ و تحولات آن را تبیین کند و یا به علما و بزرگان و خواص، درس عبرت بیاموزد و یا دستگاہ جور و تحولات پشت پرده باند اموی و روابط پنهان عمال فاسد و علمای درباری را افشا کند. نمونه دیگر این بیان را در نامه حضرت زین العابدین (ع) به محمدبن شهاب زهری می‌بینیم که آن هم در کتاب شریف تحف العقول نقل شده است و آهنگ این بیان نورانی را دارد؛ هم‌چنان که ترکیب سخنان امام حسین (ع) با آیات قرآنی و نیز توجه دادن به آیات قرآن کریم و درس آموزی از قرآن و بیان وظایف دانشمندان الهی، ترسیم وظایف حکومت اسلامی، مبارزه بنیادین با مفسد اجتماعی و بیان جایگاه بلند امر به معروف و نهی از منکر، خود نشان و تأیید دیگری بر اصالت این متن ارزنده و حکیمانه است. بنابراین، هر کس با سبک و سیاق و روش و منش آن بزرگواران آشنا باشد، تردیدی در باره این متن، برای او باقی نمی‌ماند که این سخنان را تنها کسی فرموده است که «قد ذق العلم ذقاً و عالم غیر معلم و فهم غیر مفهم و محدث من عندالله» باشد. اکنون این خطبه شریف را در چند بخش توضیح داده و درس‌های آموزنده آن را بر می‌شماریم، به امید آن که ره‌توشه‌ای برای همه راهیان نور و مشتاقان ظهور باشد.

### درس‌ها و عبرت‌ها

در این باره، تاریخ و فرهنگ و تمدن قوم یهود و نصارا، خود فراز و نشیب‌های فراوان داشته و در طول بیش از سه هزار سال گذشته، در حوادث تاریخ بشر، تأثیرگذار بوده و از حوادث ملت‌ها و امت‌ها متأثر گردیده است، تجارب فراوان و تلخ و شیرین بسیار را لمس کرده و عزت‌ها و ذلت‌های بسیاری را تحمل کرده است. از دیدگاه قرآن کریم، این فراز و فرودها بدون علت نبوده و علما و

روحانیان از این تحولات بیگانه نبوده‌اند، بلکه محور اصلی ایشان بوده‌اند و اگر نبود انحراف و سهل‌انگاری علما و رجال دین، ملت‌ها هرگز به ذلت و سقوط کشانیده نمی‌شدند. از این رو، نقش اصلی و بارز، بر عهده علما است: «و اذا صلح العالم صلح العالم». اما فلسفه این تحولات را باید در رسالت علما در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر جست‌وجو کرد. آن‌گاه که علما و رهبران جامعه، از انجام وظایف مهم و اصولی خود سر باز زدند و امر به معروف و نهی از منکر را رها کردند و ملاحظات سیاسی و مادی و قومی و نژادی به جای تکلیف و وظیفه نشست و روح و فرهنگ حق‌طلبانه مردان خدا در چنبره جاه‌طلبی و دنیا پرستی ارباب دنیا گرفتار شد و روحیه جهاد و حق‌خواهی جای خود را به دنیا دوستی داد و ارزش‌های الهی فراموش شد و فداکاری و مجاهدت در برابر باطل، به فراموشی سپرده شد، طبیعی است که باید سقوط و انحطاط و ذلت آن ملت را انتظار کشید و راه نفوذ دشمنان را هموار دید و گسست پیوندها و روابط را شاهد بود. البته این مسأله، یک بحث عمیق قرآنی و تاریخی و سیاسی و اجتماعی است و در مباحث فلسفه تاریخ نیز از مسائل جدی و قابل تجزیه و تحلیل و تأمل است. در نهج‌البلاغه، به‌ویژه در خطبه قاصعه، این موضوع به طور مبسوط و عبرت‌آموزی آمده است و مفاد جمله‌ها مؤید یکدیگر و مکمل یکدیگرند. در این خطبه، رمز عزت و استقلال یا ذلت و سقوط ملت‌ها بیان شده و نقش و رسالت علما و نخبگان در این باره ترسیم شده است. در خطبه شریف امام حسین (ع) نیز به این موضوع بسیار حساس و ارزشمند، پرداخته شده و با استشهاد از آیات قرآن کریم در این باره، به عبرت‌های ارزنده‌ای از تاریخ علمای یهود و مسیحیت اشاره شده است. امام (ع) در این باره می‌فرماید: «اعتبروا ایها الناس بما وعظ الله به اولیائه من سوء ثنائیه علی الاحبار اذ یقول لولایناهم... و قال لعن الذین کفروا... و انما عاب الله ذلک علیهم لانهم کانوا یرون من الظلمة الذین بین أظهرهم المنکر و الفساد فلاینهونهم عن ذلک رغبه. هان ای مردم! از آن‌چه خداوند، اولیا خود را از آن بر حذر داشته و بدان پند و اندرز داده و از دانشمندان یهود انتقاد کرده، عبرت بگیرید و پند بیاموزید، آن‌جا که می‌فرماید: «لولایناهم الربانیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت لبئس ماکانوا یصنعون»؛ [۶] چرا دانشمندان نصارا و یهود، آنان را از سخنان گناه‌آمیز و خوردن مال حرام نهی نمی‌کنند؟ چه زشت عملی است که انجام می‌دادند! و نیز خداوند متعال می‌فرماید: «لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی بن مریم ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه لبئس ما کانوا یفعلون»؛ [۷] کافران از بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی بن مریم لعن و نفرین شدند. این بدان علت بود که گناه کردند و کارشان تجاوز از حدود الهی بود. آنان از اعمال زشتی که انجام می‌دادند، یکدیگر را نهی نمی‌کردند. چه بد کاری انجام می‌دادند! «... و انما عاب الله ذلک علیهم...»؛ و چرا خداوند آنان را نکوهش کرده و از ایشان عیب گرفته است؟ برای آن‌که آنان ستمکاران را می‌دیدند که به کارهای زشت و فساد مشغول هستند و آنان را از منکر نهی نمی‌کردند به طمع آن‌که از آنان نصیب و بهره‌ای به اینان برسد و یا از ترس آن‌که مبادا خطری آنان را نگران و یا تهدید کند، در حالی که خداوند می‌فرماید: «فلا تخشوا الناس و اخشون»؛ [۸] پس از مردم نهراسید و از من بترسید. در این بخش از سخنان امام (ع) به سه موضوع، به عنوان عبرت و درس اشاره شده است: الف. نکوهش کردن خداوند، دانشمندان یهود و نصارا را. ب. علت این نکوهش که ترک امر به معروف و نهی از منکر است. ج. علت ترک امر به معروف و نهی از منکر، که یا طمع و دنیا دوستی و جاه‌طلبی بوده و یا ترس و علاقه به بقا و زندگی. و در این باره، امام (ع) به چهار آیه از سوره مبارکه مائده استناد می‌کند که جوهره و محتوای اصلی سخنان ایشان را به خوبی می‌توان از این آیات کریمه استفاده و استنتاج کرد. توضیح مطلب: سوره مبارکه مائده از آخرین سوره‌های نازل شده در مدینه منوره است و به نظر می‌رسد که ترسیمی از اصول کلی بیم‌ها، امیدها، تهدیدها و فرصت‌ها برای آینده جامعه اسلامی است و به نوعی سرگذشت پیشینیان و پیروان ادیان گذشته و عملکرد آنان و عبرت‌آموزی از روش‌ها و منش‌های آنان نیز به عنوان درس و تجربه تاریخ، مورد توجه قرار گرفته است. رسالت خواص در بیدارگری و آگاهی و تحرک بخشیدن به جامعه اسلامی و یادآوری مسؤولیت خطیر علما در این باره، از حساس‌ترین تکالیف الهی و وظایف وجدانی و قرآنی جامعه اسلامی است. ابعاد و سطوح این مسؤولیت، بسی خطیر

و حساس و بار امانت و مسؤولیت آن، بسیار سنگین و مهم است. علمای اسلام، در عصر نبوت و پس از آن باید بار سنگین رسالت تبلیغی اسلام را به دوش بکشند و عملاً اسوه و چراغ راهنمای امت باشند، در برابر بدعت‌ها، انحراف‌ها و اغواگری‌ها بایستند و اجازه ندهند حقوق خلق خدا و ارزش‌های الهی پامال شود و جباران و جانیان، به نام دین حاکم گردند و با سرنوشت انسان‌ها بازی کنند. علمای اسلام وظیفه دارند که به یاری حق بشتابند و با باطل و جهل و ظلم و جور و سفاهت و بدعت به مبارزه برخیزند. بزرگان امت اسلامی وظیفه دارند که پاسدار حریم قرآن و حقوق مردم باشند و اجازه ندهند حقایق اسلام مسخ گردد و اسلام پوستینی وارونه بپوشد: «ولبس الاسلام لبس الفرو مقلوباً». [۹]. علمای اسلام وظیفه دارند که در برابر سلاطین ستم‌گر و مستبد بایستند و از آزادی و عدالت و کرامت امت محمد (ص) دفاع کنند: «و لقد سمعت جدی رسول الله یقول: من رأى سلطاناً جائراً...». با توجه به مطالب بالا بود که امام (ع) بزرگان دنیای اسلام را در سرزمین منا گردهم جمع کرد و شرایط دنیای اسلام و نگرانی خود را برای آنان بیان فرمود و از آنان خواست که به عنوان سفرای او و داعیان الی الله و آمران به معروف و ناهیان از منکر، حقایق را به گوش مردم جهان اسلام برسانند، افکار عمومی را بیدار کنند، انحرافات و جنایات معاویه را بازگو نمایند، آنان را از فتنه‌ها و خطرهای برحذر دارند، بر مسؤولیت و رسالت علمای بالله و امنای الهی تأکید کنند و بدین وسیله، امت اسلامی را بر انگیزند و افکار عمومی را هدایت کنند تا با پشتوانه بیداری و آگاهی افکار عمومی، اجازه شکل‌گیری توطئه‌های جدید و نکبت‌بار و غصب خلافت و حکومت اسلامی و تبدیل حکومت اسلامی به حاکمیت قومی و نژادی و نظام موروثی سلطنتی، به دربار معاویه داده نشود. طرح موضوع در موسم حج، در سرزمین منا و در حضور جمع بسیاری از علما، بزرگان، صحابه، تابعین و خاندان بزرگوار رسول اکرم (ص) و اهل بیت نشان دهنده اهمیت و حساسیت موضوع و خطر بزرگ و نگران‌کننده‌ای است که امام (ع) در آن شرایط احساس می‌کرد. شرایط زمان و مکان، دعوت و تأکید بر ابلاغ پیام و بیان خطرهای هشدارها و اندازها و فرصت حج، از یک سو نگرانی‌ها را نشان می‌دهد، از سوی دیگر، جایگاه حج و مکه و فلسفه حج را معرفی می‌کند و از سوی دیگر، حساسیت امام حسین (ع) را درباره اوضاع اسفبار دنیای اسلام و قیام و انقلاب آن حضرت را در راه خدا نشان می‌دهد. این خود، یک مسأله‌ای مهم و حساس است که در نیمه اول قرن اول هجری، یعنی دقیقاً از سال‌های ۱۱ تا ۶۱ هجری، چه تحولات تلخ و چه رنج‌های جانکاهی بر امت اسلامی، به‌ویژه در مناطقی از دنیای اسلام، مانند شامات (اردن، فلسطین، سوریه، لبنان) تحمیل شده است. با توجه به گذشت نیم قرن از صدر اسلام و رحلت رسول اکرم (ص) و گسترش جغرافیایی دنیای اسلام و عدم گسترش فرهنگ فراگیر در دهه‌های اول اسلام، به موازات پیش‌رفت‌های مادی و لشکرکشی‌ها و کشورگشایی‌ها و عدم تعهد سردمداران و زمام‌داران دنیای اسلام و در نتیجه، ایجاد انحرافات سیاسی و فکری و غلبه قوم‌گرایی و نژادپرستی و جناح‌بندی‌های سیاسی و جاهلی، پر واضح است که نسل جدید دنیای اسلام، با ارزش‌های زمان رسول اکرم (ص) بیگانه باشند، فضایل و کمالات اباذرها و سلمان‌ها به فراموشی سپرده شود، میراث ارزشمند رسول الله (ص) از یاد برود، افراد، رفاه‌زده و غفلت‌زده شوند و ارزش‌های اصیل، تحریف شده و ارزش‌های جاهلی و وارداتی، به جای فرهنگ مدینه‌الرسول حاکم و غالب گردد و این موضوع مهمی است. اکنون پرسش این است که تداوم نسل‌ها و فرهنگ‌ها و استمرار ارزش‌ها و سنت‌ها چگونه باید باشد تا از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. این موضوعی است که امروزه، یعنی در دهه سوم انقلاب اسلامی، نیز به خوبی با آن روبه‌رو هستیم. در این جا آن‌چه در درجه اول تعیین‌کننده است، جایگاه و رسالت علمای اسلام و دل‌سوزان فرهنگ و تمدن اسلامی و پاسداران حریم امت است. رسالت بزرگ تداوم خط فکری و فرهنگی دوران نبوی (ص)، انتقال ارزش‌ها و فضایل به نسل‌های آینده، پاسداری علمی و عملی و عینی و زبانی از معارف گذشته و انتقال آن به نسل جدید دنیای اسلام و مقابله با تهاجم فرهنگی و تحریفات تاریخی، همگی از این مقوله است. تأکید امام (ع) بر محوریت اهل بیت و امیرالمؤمنین (ع) و جایگاه بلند و رفیع او نیز با این هدف و اعتراف بر کمالات و سوابق درخشان خاندان عصمت و طهارت و حفظ این ارزش‌ها و کرامت‌های الهی و انتقال آن به آیندگان، در جهت پیوند بین دو نسل و استمرار جوهره

حرکت نهضت عظیم اسلامی، به رهبری رسول‌الله (ص) و انتقال آن به نسل‌های آینده و ترسیم خطوط روشن حرکت آیندگان است. البته اهل‌بیت در رأس هرم این حرکت قرار دارند و تا روز قیامت، این رسالت را در همه سطوح و ابعاد، به بهتر شکل، انجام خواهند داد. این مفاد حدیث شریف غدیر خم نیز هست که «انی تارک فیکم الثقلین...» [۱۰] و سخن نورانی امام حسین (ع) که می‌فرماید: «انشدکم بالله...» نیز تأیید و تأکید دیگری بر این حرمت‌ها و شعایر بزرگ الهی و معالم توحیدی و قرآنی است. امر به معروف و نهی از منکر، روش پایدار مراقبت از کیان اسلام و قوانین و مقررات آن و مبارزه با کژی‌ها و کژاندیشی‌ها است. تبیین مفهوم و محتوای عمیق دین و ولایت، رسالت بزرگ علمای ربانی است. در بحث امر به معروف و نهی از منکر، نظارت همگانی، آگاهانه و مسئولانه، در نقادی کارکرد حاکمیت و مبارزه با طاغوت‌ها و استبدادگران و سلطه‌طلبان، از وظایف دانشمندان الهی است و نقش محوری آنان در جلوگیری از تسلط فرصت‌طلبان و منفعت‌جویان، روشن می‌شود که می‌فرمود: «ان فینا اهل‌البیت فی کل خلف عدولا». [۱۱]. امر به معروف و نهی از منکر، عامل اعتلای امت و جامعه اسلامی است و ترک آن، موجب سقوط و انحطاط خواهد شد که هرگز وجدان‌های بیدار آن را نمی‌پذیرند. هم‌چنین ترک این دو فریضه الهی، آثار سوء و نتایج زیان‌باری را به دنبال خواهد داشت و موجب سلطه حکومت‌های فاسد خواهد شد. شناخت نفاق و جریان‌های منافقانه، در تاریخ اسلام و بلکه در تاریخ ادیان الهی، از حساسیت و ویژگی خاصی برخوردار است و مبارزه با آن و افشای ریشه‌ها، شاخه‌ها، اهداف، برنامه‌ها و نقشه‌های شوم منافقان داخلی، از شناخت و افشای کفار خارجی به مراتب سخت‌تر و حساس‌تر است. مرعوب نشدن در افشای نفاق و ترور شخصیت و جوشکنی در برابر سیل تهمت‌ها و خیانت‌ها و دسیسه‌ها و تهدیدها درس بزرگی است که باید آن را از امام حسین (ع) آموخت. فضای تبلیغاتی و رسانه‌ای شکننده و خفقان حاکم بر فضای جامعه اسلامی و فشارهای شدید سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گسترده‌ای برای مخدوش کردن چهره امیرالمؤمنین (ع) و اهل‌بیت به کار می‌رفت و حقیقتاً باند اموی در این زمینه، از هیچ تلاشی فروگذار نبود. آنان در تخریب شخصیت‌های بزرگ الهی و جعل و تحریف، بسیار کوشا بودند و در خبرسازی و شایعه‌پراکنی و تهمت و افترا نظیر نداشتند. این فضای خفقان و نفاق، به‌ویژه پس از شهادت امام مجتبی (ع) به اوج خود رسید و شرایط را برای دوست‌داران و شیعیان اهل‌بیت، تیره و تار ساخت. البته باند اموی، در جهت تخریب چهره و ترور اهل‌بیت و طرف‌داران آن بزرگواران، نه تنها با همه توان به سرکوب و قتل و افترا و بدعت مشغول بودند، بلکه به چهره‌سازی دروغین و شخصیت تراشی نیز می‌پرداختند و تلاش می‌کردند تا از معاویه و دار و دسته بنی‌امیه، شخصیت تراشی و چهره‌سازی کنند و با پردازش‌های دروغ و ظالمانه، بت‌های ساختگی را به جای بت‌های جاهلی، بر مردم تحمیل کنند و آنان را ناجی امت اسلامی و خلیفه مسلمانان و اسوه و الگوی نجات‌بخش معرفی نمایند. در روایتی از امام باقر (ع) آمده است که فرمود: «و کان عظم ذلک و کبره فی زمن معاویه بعد موت الحسن فقتلت شیعتنا بکل بلد و قطعت الایدی و الارجل علی الظنئه...» [۱۲]. افشای ماهیت نفاق و مبارزه با جریان خبیث و پیچیده آن و بسیج مردم در این راه، کاری بس دشوار، حساس و نیازمند بصیرت، ظرافت، تیزی و آینده‌نگری است. پیامبر اکرم (ص) خطر نفاق را بارها گوشزد کرده بود که از مؤمنان نترسید و از مشرکان نهراسید؛ ولی از منافقان برحذر باشید: «انی لا اخاف علیکم المؤمن و لا المشرک... و لکن اخاف علیکم کل منافق الجنان عالم اللسان...» [۱۳]. امیرالمؤمنین (ع) نیز می‌فرماید: «ما اسلموا و لکن استسلموا و اسروا الکفر فلما وجدوا اعواناً علیه اظهروه». [۱۴]. مبارزه با این جریان پیچیده، ریاکار و متظاهر و افشای ماهیت مرموز و دسیسه‌های شیطانی و حیل‌های فریبنده آن، رسالت بزرگی است که همگان تاب و یارای مقابله با آن را ندارند و این رسالت بزرگ امام حسین (ع) و نهضت آن بزرگوار و علمای الهی است. در مبارزه با حکومت‌های طاغوتی و استبدادیدر برقراری حکومت اسلامی و مبارزه با مفاسد از طریق تشکیل حکومتدر تحقق اهداف و آرمان‌های والای الهیمراتب و مراحل امر به معروف و نهی از منکر محدودده تقیه و رابطه آن با امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) اسوه است و سیره آن حضرت حجتاین قبیل مسائل و ده‌ها مسأله مهم و کلیدی دیگر، همگی در پرتو نهضت عاشورا و قیام و انقلاب کربلا و

سیره امام (ع) تفسیر و تحلیل‌پذیر است و آن بزرگوار با سیره و سنت خود، الهام‌بخش همه انسان‌های آزادی‌خواه و مصلحان بزرگ تاریخ بوده و خواهد بود.

### اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر

و قال: «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر...» [۱۵] مردان و زنان با ایمان، بر یکدیگر ولایت دارند. امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و از خدا و رسولش اطاعت می‌کنند... خداوند ایشان را به زودی مشمول رحمت خود قرار خواهد داد. همانا خداوند حکیم و دانا است. خداوند در این آیه کریمه، سخن را در باره امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان یک فریضه الهی آغاز کرده است؛ زیرا، می‌داند که چون این فریضه ادا شود و بر پا گردد، همه فرایض، از آسان و دشوار برپا خواهد شد و در راه استوار قرار خواهد گرفت. و این بدان علت است که اهداف امر به معروف و نهی از منکر، عبارتند از: دعوت به اسلام... رد مظالم و تأمین حقوق ستم‌دیدگان... مخالفت و مبارزه با ظالمان و ستم‌گران... تقسیم عادلانه بیت المال و برقراری عدالت... دریافت صدقات و جمع‌آوری مالیات‌ها و برقراری امنیت (نظم و امنیت)... پرداخت و مصرف درست بیت المال و ادای حقوق مردم... برقراری حدود الهی و اجرای احکام قرآنی... انجام اصلاحات جدی در همه سطوح جامعه و در همه ابعاد. اهداف یاد شده، ترسیم‌کننده اهداف بلند و ارزشمند امر به معروف و نهی از منکر و مسؤولیت خطیر علما در این زمینه و نشان‌دهنده اهداف حکومت اسلامی و رسالت امانا است و در حقیقت، اهداف حکومتی اسلام است که جز در سایه حکومت، امکان اجرا و تحقق آن وجود نخواهد داشت. در این بخش، امام (ع) به اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، از سه زاویه اشاره می‌کند: از زاویه قرآن کریم. نقش این دو، در پایداری و تثبیت دیگر احکام. بیان مصادیق روشن و مهم. در این بخش، امام (ع) به بیان اهداف امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد که به طور کامل، با اهداف حکومت اسلامی منطبق است و جز در سایه حکومت، امکان عملی رسیدن به این اهداف و وظایف وجود ندارد و از جمله، به آیه شریفه یاد شده استناد می‌فرماید که خداوند در مقام بیان صفات مؤمنان، نخست وظیفه خطیر امر به معروف و نهی از منکر را بیان می‌کند. این تقدم، دارای حکمتی است و نشان‌دهنده جایگاه بلند و محوری و کلیدی این دو وظیفه، در رابطه با وظایف فردی و اجتماعی و سیاسی دیگری است که مایه پایداری احکام دین و تنظیم درست روابط جامعه اسلامی و برقراری عدالت در میان امت و جهات فراوان دیگر است. در این جا باید اشاره کرد که در آغاز آیه شریفه، به چند مسأله و موضوع مهم اشاره شده است، که عبارتند از: ۱. صفت ایمان. ۲. ولایت مؤمنان بر یکدیگر (ولایت‌مداری در جامعه اسلامی). ۳. برقراری روابط ولایی در جامعه اسلامی. ۴. امر به معروف. ۵. نهی از منکر. ۶. آثار و برکات این دو فریضه. ۷. حقیقت امر به معروف و نهی از منکر. ۸. علما حافظان رسالت و حامیان امت. ۹. پاداش الهی در دنیا و آخرت، در سایه انجام این رسالت بزرگ. ۱۰. دستور جهاد با کافران و منافقان. موضوع امر به معروف و نهی از منکر، به ویژه در سطوح عالی جامعه اسلامی و تعهد و تقید به رعایت و اجرا کردن آن و یا زمام‌داران و مسؤولان جامعه اسلامی را از منکر بازداشتن و به معروف امر کردن، رسالت بزرگ علما و نیز امت اسلامی و عامل صیانت اسلام و حقوق ملت و تحقق اهداف الهی است. در قرآن کریم، و روایات اسلامی و داستان‌های انبیا، در این باره، درس‌ها و عبرت‌های آموزنده‌ای وجود دارد. بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری در این زمینه، عامل سقوط، انحطاط، فراموشی و وارونه شدن ارزش‌ها، انحراف در جامعه و تبدیل معروف به منکر و منکر به معروف خواهد شد. امام (ع) در تبیین جایگاه این دو فریضه بزرگ الهی می‌فرماید این که خداوند پس از وصف ایمان که یک امر قلبی و جوانحی است به امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است، که یک امر رفتاری است و نماز و زکات را پس از آن ذکر فرموده، اهمیت و جایگاه این دو وظیفه بزرگ را می‌رساند و حکمت آن، این است که خداوند می‌دانسته که چون این دو فریضه، به گونه‌ای مطلوب برپا شود و انجام گیرد، همه فرایض، به برکت آن، انجام

خواهد گرفت و راه اجرای فرایض دیگر هموار خواهد شد. به بیان دیگر، این دو، بازوی توانایی است که زمینه‌ساز تحقق معروف‌ها و ترک منکرها خواهد بود. لعلمه بانها اذا ادیت و اقیمت استقامت الفرائض کلهما هینها و صعبتها... به برکت این دو و در سایه تأثیر فراوان و فضای شایسته و بایسته و پاکی که به وجود آمده، معروف‌ها رشد کرده، فضا نورانی می‌شود، منکرها به فراموشی سپرده می‌شود و یا زمینه اجرای منکر از بین خواهد رفت و کار منکر، زشت تلقی خواهد شد و اهل منکر تشویق نخواهند شد، بلکه توبیخ می‌شوند و الگو نخواهند بود و بازارشان کساد خواهد شد. گرایش‌ها به سوی خوبی‌ها و معروف‌ها خواهد بود و بازار فضیلت، رواج خواهد یافت. بازار تقوا و طهارت، رونق خواهد گرفت و بازار رذایل طالبی نخواهد داشت و همه جا خوبی و پاکی ترویج خواهد شد و فضای جامعه فضای نور و رحمت و خیر و برکت و تقوا و فضیلت خواهد بود. و ذلك ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر دعاء الی الاسلام مع رد المظالم و مخالفه الظالم و قسمه الفیئ و الغنائم.... و این امر برای آن است که امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به اسلام، همراه با رد مظالم و مخالفت با ظالم و تقسیم درست بیت المال و صرف آن در مسیر صحیح خود است. امام (ع) در تبیین جایگاه این دو فریضه مهم، به مثال‌های روشن و مصادیق مهم و کارساز متوسل می‌شود که اساس حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و عزت و اقتدار جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهد. در حقیقت، ایشان اهداف حکومت اسلامی را به صورت خلاصه بیان فرموده و بر مسائل کلیدی جامعه، یعنی فراخوانی به اسلام و گسترش فرهنگ اسلامی و تبلیغ آن در همه سطوح و ابعاد تأکید می‌کند. البته این دعوت، دعوت زبانی و قلمی و هنری صرف نیست، بلکه تبیین آموزنده و سازنده معارف اسلامی است که چون با همه زیبایی‌ها و محاسن آن بیان شود، جاذبه فطری و الهی دارد و دل‌ها به آن تمایل می‌یابند و منشأ حیات طیبه و برکت و سعادت ابدی خواهد بود. فان الناس لو علموا محاسن کلامنا لا تبعونا. [۱۶] اگر مردم محاسن کلام ما را بدانند، از ما پیروی می‌کنند. موضوعاتی که در آغاز بدان اشاره شد، مانند: دعوت به اسلام، رد مظالم، مخالفت با ظالم، و هدایت و مدیریت کارآمد امور اقتصادی و بیت المال و اهداف و وظایف خطیر و حساس مربوط به آن، به تدبیر و تمشیت امور بودجه و اقتصاد جامعه اسلامی، چرخش صحیح و کارآمد امور مالی و اقتصادی جامعه اسلامی و تنظیم صحیح و سازنده و عدالت‌خواهانه معیشت جامعه توجه دارد. نکته درخور توجه آن است که این امور حیاتی، که به دستگاه قضایی، حقوقی و سیاسی امت اسلامی مربوط می‌شود و تحقق این اهداف بلند و والا، به برکت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی و به برکت بیداری و هشیاری دانشمندان اسلامی است که اگر علما رسالت خود را به گونه‌ای مطلوب به انجام برسانند، راه را برای حاکمیت این ارزش‌ها فراهم کرده و چراغ راه سعادت و زندگی اجتماعی و سیاسی امت اسلامی خواهند بود.

### جایگاه و مسؤولیت خطیر دانشمندان

ثم انتم ايتها العصابة بالعلم مشهوره و بالخير مذکوره و بالنصيحه معروفه و بالله في انفس الناس مهابه... پس شما ای گروه نیرومندا! دسته‌ای به دانش معروف و به خوبی مذکور و به نصیحت و خیرخواهی در جامعه، نامور و مشهور هستید و به کمک خداوند و اعتبار دینی که دارید، در دل مردم مهابتی دارید که همگان از شما حساب می‌برند. در این بخش از سخنان نورانی آن حضرت، جایگاه خطیر دانشمندان و نخبگان بیان شده و از مسؤولیت حساس و جایگاه و پایگاه والای بزرگان جهان اسلام، در حفظ کيان اسلام و امت اسلامی پرده برداشته شده است. هم‌چنین ابعاد رسالت این حافظان شریعت و حاملان رسالت الهی بیان گردیده و سرّ و فلسفه این پایگاه و جایگاه ارزشمند و مسؤولیت اجتماعی آنان در حفظ منافع امت اسلامی و خدمت و فداکاری و جهاد در راه خدا و مردم ذکر شده است و اساس این اعتبار و قداست در فرهنگ اسلامی، بر مسؤولیت‌شناسی و مسؤولیت‌پذیری و پاسداری از حریم دین و حقوق مردم و حاکمیت ارزش‌های الهی تبیین گردیده است. آنچه مهم است، مسؤولیت بزرگ الهی آنان است و اساس این حرمت و کرامت و اعتبار، در مسؤولیت اجتماعی و دفاع از احکام و حدود الهی و حقوق مردم و اسوه بودن برای جامعه و روح



شهامت و شجاعت و مبارزه با ظلم و بیداد و صلابت در راه خدا است. به تعبیر امیرالمؤمنین (ع): «فلولا حضور الحاضر و قیام الحجّة بوجود الناصر و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظّة ظالم و لا سغب مظلوم لالقیة حبلها علی غاربها». [۱۷]. این بخش از بیانات حضرت اباعبدالله الحسین (ع) خود، مقدس‌ترین و ارزشمندترین محور سیاست و تعلیم و تربیت و هدایت و پاسداری امت اسلامی در فرهنگ قرآن و معارف اهل بیت است و صدها روایت و آیه قرآن کریم، این رسالت بزرگ و ابعاد آنرا تبیین و ترسیم می‌کند. در حقیقت، راز بقا و استمرار اسلام را باید در استمرار فقاقت و پویایی فقه و اجتهاد مستمر فقهای اسلام، در پهنه زمین و گستره زمان دانست و این همان مفاد آیه کریم قرآن کریم است که می‌فرماید: «و ما کان المؤمنون لینفروا کافّة فلو لا نفر من کل فرقة منهم طائفة لیتفقها فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون». [۱۸]. امروز یکی از بخش‌های مهم و مؤثر و کارساز معارف اسلامی، همین بخش حیاتی و انسان‌ساز و عدالت‌خواه است که عبارت است از رسالت عالمان آگاه و اسلام‌شناس و فقیهان آشنا به زمان و مکان و نیازها و ضرورت‌ها و اجتهاد پویای فقیهان دین‌شناس جهان اسلام، که مشعل‌داران هدایت‌تند و معلمان سعادت و مربیان فضیلت و پاسداران حریم کرامت و عفاف و عدالت. و این اجتهاد، باید در همه سطوح و زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های گوناگون گسترش یابد و نباید به فقه به معنای مصطلح بسنده کرد، بلکه در سطوح دیگر نیز باید مدار اجتهاد، توسعه یابد و به‌ویژه در حوزه‌های مهم فرهنگی و تعلیم و تربیت و نیز حوزه‌های عمیق و ظریف و دقیق فقه سیاسی اسلام، با جدیت بیش‌تر و سخت‌کوشی مداوم استمرار یابد و تخصص‌های گوناگون، همراه با تعهد و تعبد، به یاری اندیشمندان بشتابد و با توجه به نیازها و ضرورت‌ها رسالت بزرگ الهی خود را به بهترین شکل انجام دهند.

### ریشه‌ها و علل ترک امر به معروف و نهی از منکر

با توجه به دو فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر، به‌ویژه نسبت به امور حساس و سرنوشت‌ساز در جامعه بشری و وظیفه خطیر علما در این زمینه، این پرسش مطرح می‌شود که علت ترک این دو فریضه بزرگ الهی چیست و چرا دانشمندان و سردمداران دین و ناموس جامعه و پاسداران حریم‌های الهی، در انجام‌دادن آن، سست و بی‌تفاوت‌تند و در بیان و اجرای این دو امر حیاتی، کوشا و فعال نیستند؟ امام (ع) در این سخنان ارزشمند، به چند عامل اصلی اشاره می‌فرماید؛ از جمله است: «دینا دوستی و وابستگی به دنیا... مقام‌پرستی و حب جاه و مقام... عدم آمادگی برای مرگ و فرار از آن... وابستگی‌های شدید خانوادگی، گروهی، سیاسی، جناحی و قومی... روحیه سازش‌کاری در برابر جباران... نداشتن روحیه صبر و مقاومت در راه خدا... هزینه نکردن در راه خدا و نداشتن روحیه ایثار و فداکاری... تفرق در برابر حق... اختلاف در دین».

### نتایج و آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر

اکنون به این مطلب باید توجه کرد که یکی از تلخ‌ترین و اسفبارترین آثار و نتایج ترک امر به معروف و نهی از منکر، سلطه یافتن حاکمان ستمگر و زمامداران خودسر و مستبد بر جامعه اسلامی و اسلام است تا هر گونه که خواستند، اهداف خود را رقم بزنند و مسیر جامعه و امت را ترسیم کنند و به خواست‌های خود لباس عمل پوشانند. امام (ع) در این خطبه شریف، آثار شوم سلطه ستم‌گران و حاکمیت و سلطه زورگویان را بیان می‌فرماید؛ از جمله: «به شبهات عمل می‌کنند... بر اساس تمایلات نفسانی، در شهوات سیر می‌کنند... با روحیه استبدادی و استعبادی، بر مردم حکومت می‌کنند... بر محرومان و مستضعفان سلطه می‌یابند... طبق آرا و هواهای خود عمل می‌کنند... از اشرار پیروی می‌کنند... در برابر خداوند جرأت پیدا می‌کنند... دستگاه تبلیغاتی و جایگاه خطابه را در جهت اهداف پلید خود به کار می‌گیرند... بر اساس آزادی مطلق عمل می‌کنند و دستشان در کارها باز است... کشور را ملک خود می‌دانند... مردم را به بردگی و بیگاری می‌کشانند و به بندگان زرخیر خود تبدیل می‌کنند... قدرت دفاع و آزادی را از مردم

می‌گیرند... زمین را در تصرف جباران دغلباز قرار می‌دهند... بیت المال را غاصبانه تصرف می‌کنند... در دریافت بیت المال، به مردم ستم و اجحاف روا می‌دارند... نابه‌کاران را بر مردم مسلط می‌سازند... بر مؤمنان ترحم نمی‌کنند... مانع از آزادی‌های به حق و مشروع مردم می‌شوند... آثار و نتایج ترک امر به معروف و نهی از منکر، به‌ویژه در سطح خواص و سطوح عالی جامعه اسلامی، بلکه جهان، مطلبی نیست که در این مختصر بتوان ابعاد آن را توضیح داد و عواقب تلخ و دردناک آن را برای جامعه انسانی برشمرد؛ ولی اگر ما شناخت درستی از این دو فریضه الهی و دو چراغ آسمانی داشته باشیم، به‌خوبی می‌توانیم حدس بزنیم که آثار ایجابی و اجرای این دو تکلیف مهم چیست و آثار سلبی و رها کردن این دو وظیفه الهی و انسانی کدام است... در حقیقت، معروف، هر کار خیر و خداپسند و مطابق عقل و دل و وجدان و فطرت است که خردمندان و حکیمان و نخبگان جوامع انسانی، به آن دل می‌بندند، در راه تحقق آن، فداکاری می‌کنند و حیات و سعادت بشر را در سایه اجرای آن می‌دانند... منکر نیز هر عمل و رفتار زشت و ناپسندی است که موجب انحراف و انحطاط و سقوط بشر خواهد شد و جامعه بشری را به سوی هلاکت و خسارت پیش می‌برد و موجب می‌شود تا انسانیت بمیرد، عدالت رخت بر بندد، علم و حکمت گوشه‌نشین شود و فساد و طغیان میدان‌داری کند... آری، آنچه بیان شد، صرفاً برخی از تبعات و آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر است و گرنه، تارکان این دو فریضه مهم، مورد لعن و نفرین خداوند هستند و خداوند با تعبیر «لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل» [۱۹] از آنان یاد کرده است که شدت خشم و غضب الهی را از چنین مرده‌دلان و غافلانی می‌رساند... امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «لعن الله السفهاء لركوب المعاصی و الحلماء لترك التناهی...» [۲۰] خداوند لعنت کند سفیهان و فرومایگانی را که مرتکب گناهان و معاصی می‌شوند و خداوند لعنت کند آنان را که بردباری می‌کنند و در برابر گناه گناهکاران، نهی از منکر نمی‌کنند... دعای آنان به هدف اجابت نخواهد رسید و دنیای آنان تباه و آخرتشان تباه‌تر خواهد شد و موجب سلطه اشرار می‌شود... و نیز می‌فرماید: «لا تتركوا الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون خیارکم فلا یستجاب لکم» [۲۱]...

### مجاری امور و احکام و حکومت اسلامی، به دست دانشمندان الهی است

تشکیل حکومت اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر، بزرگ‌ترین وظیفه علمای اسلام و امینان خداوند بر حلال و حرام او است... علمامصدر و مرجع کارها هستند... امر به معروف و نهی از منکر عامل و وسیله تشکیل حکومت اسلامی است و حکومت اسلامی نیز بهترین وسیله برای امر به معروف و نهی از منکر است... در حقیقت، امر به معروف و نهی از منکر، هم مبنای تشکیل حکومت اسلامی است و هم هدف آن، هم علت فاعلی است و هم علت غایی... از یک سو، عامل نفی حکومت‌های طاغوتی و ستم‌پیشه و استبدادی است و از سوی دیگر، هدف برقراری نظام عادلانه و مردم‌سالاری دینی و اسلامی است... این مفهوم والا و بلند و روشن، در این بخش از سخنان امام (ع) به زیبایی بیان و ترسیم شده است: «ذلک بان مجاری الامور و الاحکام بید العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه... این برای آن است که مجاری امور و احکام، به دست دانشمندان دین و عالمان الهی است که امین بر حلال و حرام و احکام او هستند و باید زمام امور امت اسلام به دست آنان باشد... این بخش که به صورت‌های گوناگون، در این خطبه شریف آمده است، نظیر این بخش‌ها از خطبه است: «اللهم انک تعلم انه لم یکن ما کان منّا تنافساً فی سلطان و لا التماساً من فضول الحطام... ثم انکم ایتها العصابة... مکنتم الظلمة... ذلک ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر دعاء الی الاسلام مع ردّ المظالم و مخالفه الظالم و قسمة الفیء... و الغنائم... و یا نظیر تعبیر دیگر آن حضرت است که فرمود: «لعلمه بانها اذا ادیت و اقيمت استقامت الفرائض کلها هینها و صعبا...» به این بخش از سخنان امام (ع) فقها و بزرگان، از جمله امام خمینی (ره) به عنوان شاهد و تأییدی بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، استناد کرده‌اند... در این جا نکته‌ای به نظر می‌رسد که بیان آن، خالی از لطف نیست و آن این است که در بحث از اهداف و انگیزه‌های قیام حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و این که هدف ایشان چه بوده و چیست، باید یادآور شد که در

صورت قیام برای تشکیل حکومت اسلامی نیز حکومت، یک وسیله است نه هدف. اساس، تحقق آرمان‌ها و اهداف اسلام و تحقق حاکمیت اسلامی و اجرا شدن احکام نورانی اسلام است و حکومت، خود وسیله و زمینه‌ساز رسیدن به اهداف دیگر است. هدف عالی و غایی، تعالی و تکامل جامعه و رسیدن انسان‌ها به مقصد نهایی خلقت و قرب الی الله است و حکومت باید زمینه‌ساز دست‌یابی به این هدف والا و مقدس باشد. واضح است که در این بیان، امام (ع) در مقام بیان وظیفه علمای اسلام و حافظان شریعت و مرزبانان رسالت است و قطعاً حکومت نیز خود، وسیله‌ای برای اجرا کردن احکام نورانی اسلام و مبارزه با جهل و بدعت و خرافات و رفع شرطاغوتیان و جباران از جامعه اسلامی است. باید زمام امور امت اسلامی، به دست فقیهان دل‌سوز و عدالت‌پرور و ظالم‌ستیز باشد. منزلت و جایگاه علما در جامعه اسلامی، جایگاه انبیا و پیامبران و پیامبر اکرم (ص) است که در روایات فراوانی به این مطلب تصریح شده است؛ مانند «انّ العلماء ورثة الانبیاء». [۲۲] منزلت و جایگاه انبیا (ع) نیز، جایگاه اجرای امور و احکام، نگاهبانی از حلال و حرام و پاسداری از حقوق و حدود الهی است. مطلب دیگر این که امر به معروف و نهی از منکر، دارای مراتب و درجاتی است. در این خطبه شریف، امر به معروف و نهی از منکر، در بالاترین سطح مطرح شده است. عالی‌ترین مراحل و مراتب آن، برقراری حکومت عادلانه اسلامی و نفی حکومت‌های جبارانه بنی‌امیه و امثال آنان است. در حقیقت، این مرحله، همان مرحله قیام انبیا و اولیا و صلحا و مصلحان بزرگ عالم انسانیت است. قیام در عالی‌ترین سطح، مبارزه با عمیق‌ترین ریشه‌های فتنه و فساد، طاغوت‌زدایی از جامعه اسلامی و اقامه قسط و عدل در بالاترین سطح، در میان امت محمد (ص) منطبق است با جوهره قیام حضرت سیدالشهدا و نهضت مقدس عاشورا، که خود امام (ع) در عالی‌ترین سطح آن را سامان داد و در راه تحقق آن، نهضت عاشورا و قیام کربلا را رهبری و هدایت فرمود.

## اهداف حکومت اسلام

موضوع اهداف حکومت اسلامی، بسیار حساس، مهم و هدایت‌گر است. در اسلام، حکومت و قدرت، هدف نیستند و جاه و مقام و منصب، ارزش ذاتی و بالاصاله ندارند، بلکه حکومت و قدرت وسیله‌ای است برای خدمت و قرب الی الله. حکومت امانت الهی و تکلیف است. در اسلام پست و مقام و منصب ارزشی ندارد و نمی‌تواند ملاک شخصیت و اعتبار باشد؛ همان‌گونه که مال و ثروت، ملاک افتخار و نشان‌گر اعتبار نیست. در روایت آمده است که «لعن الله من اكرم غنيا لغناه» [۲۳] و در قرآن نیز می‌خوانیم که «فلا تعجبك اموالهم ولا اولادهم». [۲۴] امیرالمؤمنین (ع) به اشعث بن قیس می‌فرماید که «ان عملك ليس لك بطمعة و لكنه في عنقك امانة». [۲۵]. هدف آن است که نور حق خاموش نشود و چراغ اسلام به افول نگراید، حق کهنه و مندرس نگردد و وعده خدا محقق شود: بار خدایا! تو می‌دانی که این همه تلاش و کوشش ما برای این نبوده است که بر سر جیفه دنیا با یکدیگر رقابت کنیم و یا برای قدرت با یکدیگر بجنگیم و یا به دنبال افزون‌طلبی و زیاده‌خواهی باشیم و یا انگیزه‌های دنیا طلبانه و جاه‌پرستانه داشته باشیم. هدف احیای ارزش‌های فراموش شده اسلام و آرمان‌های بلند رسالت و قرآن و اهداف نورانی ولایت و ایمان است. این همان راه علی مرتضی (ع)، فاطمه زهرا (س) حسن مجتبی (ع) و خاتم الانبیا (ص) است و ایشان اسوه‌ها و زمامداران و پرچم‌داران راه هدایت و پاکان صراط مستقیم و پاسداران حریم الهی‌اند. جالب آن است که این سخنان نورانی، عیناً در نهج‌البلاغه نیز با اندک تفاوتی، در خطبه ۱۳۱ آمده است. این خطبه، در باره حکومت اسلامی و وظایف سنگین و خطیر حاکم اسلامی است و نشان دهنده آن است که هر دو خطبه، از یک آبشخور سرچشمه می‌گیرند و به یک کانون متصلند و از یک منبع الهام می‌گیرند، که مصداق «انا و علی من شجرة واحدة و سایر الناس من شجرشتی» [۲۶] «انا من رسول الله كالصنومن الصنو» [۲۷] و «العصده من الذارع» و «لقد كنت معه اری نور الوحي و النبوة» [۲۸] و مصداق «انا مدینه العلم و علی بابها» و «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت» [۲۹] هستند. در این جا به کمک این بخش از خطبه شریف و نیز به کمک دیگر بیانات حضرت سیدالشهدا (ع) و بیانات پدر بزرگوارش،

امیرالمؤمنین (ع) فهرست‌وار اهداف حکومت اسلامی را بیان کرده و توضیحاتی نیز ارائه می‌کنیم. الف. خدامحوری و تقوا در رفتار حاکمان الهی (ولایت الله) ۱. پرهیز از رقابت‌های ناسالم برای کسب قدرت. ۲. پرهیز از جاه‌پرستی. ۳. پرهیز از دنیاپرستی. در این بخش، امام (ع) به شرایط، ویژگی‌ها و صفات حاکمان الهی اشاره فرموده، دو ویژگی مهم را از صفات برجسته رهبران الهی توضیح داده و هر گونه اهداف پست مادی و رقابت‌های ناسالم دنیوی را نفی می‌کند و می‌افزاید که هدف، نان و نام و دنیا و شهرت نیست و... ب. وظایف و اهداف اجتماعی ۱. بر پا داشتن معالم دین. ۲. ایجاد اصلاحات در زمین. ۳. برقراری نظم و امنیت برای بندگان مظلوم خدا (تأمین امنیت برای ستم‌دیدگان). ۴. ایجاد محیط مناسب برای عمل به وظایف الهی. ۵. احیای فرایض و سنن. ۶. اجرای احکام و حدود الهی. ج. وظایف مردم ۱. نصرت اهل‌بیت. ۲. با انصاف با اهل‌بیت رفتار کنند. ۳. حق را به اهل‌بیت بدهند و از آنان حمایت کنند.

## اهداف نهضت عاشورا

با بررسی این سه بخش از سخنان حضرت اباعبدالله (ع) (۱. نامه به معاویه ۲. سخنان در منا ۳. سخنان آن حضرت در باره امر به معروف و نهی از منکر) و نیز بررسی سیر حادثه جان‌خراش کربلا، سخنان امام (ع) در طول نهضت عاشورا، ابعاد زندگی اهل‌بیت و سیره رسول اکرم (ص) و اهداف مقدس نهضت اسلام و بعثت پیامبر (ص) یک مطلب دیگر روشن می‌شود و آن این که هدف از قیام و انقلاب عاشورا چه بوده است و با توجه به دیدگاه‌ها و نظریه‌های گوناگون، که در این باره ارائه شده، بهترین و متقن‌ترین دیدگاه‌ها کدام است. به نظر می‌رسد که بررسی سوابق نهضت عاشورا و تاریخ حکومت معاویه و نیز آرمان‌های والای امام (ع) و افق‌های روحی و اعتقادی و سیاسی ایشان، خود راهنمای خوبی برای شناخت نهضت کربلا است. آری، نهضت کربلا را باید در جریان رخدادهای تاریخی پنجاه ساله پس از رسول اکرم (ص) با بیش از چهل سال دوران حاکمیت معاویه و بنی‌امیه، بر شامات و دو دهه پس از شهادت امیرالمؤمنین (ع) در سال‌های ۴۰ تا ۶۱، یعنی سال شهادت امام حسین (ع) و عملکرد دوران به قدرت رسیدن معاویه جست‌وجو کرد. دهه پنجاه - شصت، دهه امامت حضرت اباعبدالله (ع) و اوج قدرت معاویه و استبداد، خشونت و شقاوت بنی‌امیه است. دوران پس از شهادت امام مجتبی (ع)، دوران ایجاد زمینه برای ولایتعهدی یزید، همراه با سخت‌گیری، خشونت، خفقان و شدت عمل باند اموی است. دوران انتقام‌گیری و محو آثار خاندان رسالت و تحکیم موقعیت بنی‌امیه است. از این رو، سخنان امام (ع) در آن فضا خود، رسالت آن حضرت و اهداف و خط مشی اصولی و کلی ایشان را تبیین می‌کند و قلمرو مبارزاتی آن امام و خطوط اصلی هدایت را از منظر ایشان ترسیم می‌کند. به بیان دیگر، فعالیت‌های امام (ع) را می‌توان در سه مرحله بیان کرد: ۱. نامه به معاویه و تذکر و هشدار به او. ۲. دعوت از نخبگان و خواص. ۳. دعوت فراگیر و عمومی. در مرحله نخست، امام (ع) برای معاویه نامه نوشت و جنایت‌های او را گوشزد و از او انتقاد کرد و اعمال ناشایست و عواقب ناپسند آن‌ها را به او یادآور شد و از تکرار آن‌ها نهی کرد. در مرحله دیگر، امام (ع) با دعوت از نخبگان، اصحاب و عالمان، رهنمودهای لازم را ارائه داد، خطرهای را بیان کرد و در باره آینده هشدار داد، نصایح لازم را کرد، انتقادهای دل‌سوزانه خود را بیان فرمود، وضعیت اسفبار دنیای اسلام و رسالت علمای دین را یادآور شد، روند جریان‌ات را خطرناک توصیف کرد و از آنان خواست که افکار عمومی را آگاهی داده، آن‌ها را بسیج کنند و اجازه ندهند که افکار عمومی فریب بخورد یا مرعوب شود و یا جذب دستگاه جبار خلافت و پایگاه دشمنان اسلام گردد. پیدا است که حساس‌ترین موضوع و مسأله دنیای اسلام، در آن شرایط و آن سال‌ها تبدیل خلافت اسلامی به سلطنت اموی و یزیدی است که «علی الاسلام السلام از بلیت الامه براع مثل یزید». این همان نگرانی امام (ع) است که می‌فرماید: «می‌ترسم که اسلام مندرس شود». امام (ع) با عینک واقع‌بین و ضمیر روشن خود می‌بیند که سمت و سوی حرکت جامعه و دستگاه غاصب اموی، در جهت اضمحلال کامل آرمان‌ها و فرهنگ عمیق اسلامی، بدعت‌گذاری و انحراف جامعه اسلامی و تبدیل

حکومت اسلامی به سلطنت کسری و قیصر است و نتیجه این روند، نابودی اصول نورانی اسلام و احکام قرآن و بازگشت به جاهلیت و استبداد است. از این رو، باید در برابر این سیل خروشان فتنه و فساد و تفرعن، به پاخاست و ایستاد و از این که سیلاب، همگان را ببرد و غرق کند، مانع شد و اجازه نداد که همه زحمات رسول الله (ص) به باد رود و اسلام پوستینی وارونه بیوشد: «و لبس الاسلام لبس الفرو مقلوبا» [۳۰] به همین علت، امام (ع) بزرگان امت را در بهترین زمین و زمان، یعنی ایام حج و در منا فرا می‌خواند و این خطبه و سخنان حکیمانه را به آنان القا کرده، از آنان می‌خواهد که چون به سرزمین خود بازگشتند، مردم را آگاه کنند. تا این جا فعالیت‌های امام (ع) را می‌توان فعالیت‌های نیمه مخفی و دعوت و سازماندهی افراد مؤمن و آماده سازی آنان برای قیام و دعوت علنی، پس از معاویه و تغییر اوضاع و شرایط و ایجاد فرصت‌های مناسب بیان کرد تا پس از آن که شرایط و زمینه‌ها فراهم گردید، دعوت غیرعلنی به دعوت علنی تبدیل شود. امام (ع) نیز پایبند به عهد و پیمان امام مجتبی (ع) بود. از این رو، با تغییر شرایط و تحولات بعدی، طبیعی بود که امام (ع) دعوت خود را آشکار سازد و راه را برای قیام و انقلاب کربلا هموار کند. مرحله سوم، هم‌زمان با مرگ معاویه آغاز می‌شود. پیش از آن، هر چه مردم، به ویژه مردم عراق، از امام (ع) برای بیعت و قیام دعوت می‌کردند، حضرت نمی‌پذیرفت و عذر می‌آورد که به بیعت خود پایبند است و به عهد امام مجتبی (ع) وفادار خواهد ماند؛ اما اکنون فرصتی بود تا حرکت را علنی سازد و معارضة و مبارزه و مقاومت را آشکار کند و از به رسمیت شناختن حکومت جبار بنی‌امیه و یزید، سر باز زند و این موضوع را به گوش همگان برساند. در این جا در بیان اهداف نهضت عاشورا و حرکت امام (ع)، دو نمونه از سخنان و نامه‌های آن حضرت را می‌آوریم که خود، هم‌سو با مباحث قبلی و نشان‌دهنده آرمان‌ها و راهبرد آن بزرگوار است: الف. وصیت‌نامه آن حضرت در مدینه. ب. سخنان آن حضرت در ملاقات با لشکریان حرام امام (ع) در وصیت‌نامه خود فرمود: «وانی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما و انما خرجت لطلب الاصلاح فیامه جدی اريد ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب...» [۳۱]. این وصیت‌نامه، به خوبی اهداف قیام آن حضرت را تبیین می‌کند و موضوع اصلاحات عمیق و ریشه دار در نظام اسلامی را مطرح می‌سازد و مسأله امر به معروف و نهی از منکر را توضیح می‌دهد. در منزل بیضه، امام (ع) در ملاقات با حربین یزید ریاحی و یارانش - که برای مقابله با آن حضرت آمده بودند و دستور داشتند که مانع از حرکت امام (ع) بشوند و آن حضرت را تحت نظر به کوفه ببرند - پس از حمد و ثنای الهی، خطبه معروفی را از قول رسول اکرم (ص) بیان فرمود و آن را با شرایط آن روز دنیای اسلام و دستگاه اموی منطبق دانسته و قیام در برابر آن را وظیفه خود و امت اسلامی اعلام می‌کند: ایها الناس! ان رسول الله قال: من رأى سلطاناً جائراً مستحلاً لحرم الله، ناكثاً لعهد الله، مخالفاً لسنة رسول الله يعمل في عباد الله بلائهم و العدوان فلم يغير عليه بفعل و لا قول كان حقاً على الله ان يدخله مدخله الا و ان هولاء قد لزموا طاعة الشيطان و ترکوا طاعة الرحمن و اظهروا الفساد و عطلوا الحدود و استأثروا بالفيء و اهلوا حرام الله و حرموا حلال الله و انا احق من غير. [۳۲]

هان ای مردم! رسول خدا فرمود: هر کس سلطان ستم‌گری را ببیند که حرام خدا را حلال می‌کند، عهد و پیمان خدا را می‌شکند، با سنت رسول الله مخالفت می‌ورزد، در میان بندگان خدا با گناه و تجاوز رفتار می‌کند آن‌گاه در برابر او با عمل و گفتار مخالفت نکنند، بر خدا سزاوار است که او را در جایگاهی که برای آن ستم‌گر منظور شده، قرار و جای دهد. آگاه باشید که اینان ملازم طاعت شیطانند و طاعت خدای رحمان را ترک کردند و فساد را در زمین آشکار ساخته و حدود الهی را تعطیل و بیت‌المال مسلمانان را به خود اختصاص داده و حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام ساخته‌اند و من از هر کس سزاوارترم. که این شرایط را دگرگون کنم و جامعه اسلامی را در مسیر اصلی و صحیح خود قرار دهم و با دستگاه جبار و غاصب بنی‌امیه به مبارزه برخیزم و از اسلام و آرمان‌های اسلام دفاع کنم و در راه احیای آن بکوشم و با جباران به مخالفت و ستیز برخیزم و دست آنان را از سر امت اسلامی و اسلام کوتاه سازم و حیات و عزت اسلام و قرآن را تضمین کنم و درس آزادی و آزادگی و مرگ سرخ پیاموزم که مرگ سرخ، بهتر از زندگی ننگین است.

## شیوه‌های مبارزاتی امام حسین

این مطلب روشن است که در زمان حضرت اباعبدالله (ع) دو جریان اصلی و ریشه‌دار، در جهان اسلام حضور داشتند که در زمان امیرالمؤمنین (ع) نیز این دو جریان وجود داشته و با یکدیگر در تعارض بودند، که سرانجام، جریان اموی غالب شد و توانست جریان مقابل را از صحنه سیاسی و اقتدار امت اسلامی کنار بزند و عناصر وابسته و بی‌هویت را جایگزین سازد. جریان بنی‌امیه، در بیست سال پس از شهادت حضرت علی (ع) سنگر به سنگر جلو آمده بود و خاکریزها را تصرف کرده بود و تقریباً جریان حاکم و غالب و بی‌منازع دنیای اسلام بود و کسی را یارای مخالفت و جرأت مبارزه با آنان نبود. بدیهی است که بنی‌امیه و معاویه (با گمان غلط و خوی قدرت‌طلبانه خود) برای خارج ساختن رقیب دیرینه خود از صحنه سیاسی و اجتماعی دنیای اسلام، از همه شیوه‌ها و شگردهای ممکن استفاده می‌کردند و به هر وسیله‌ای متوسل می‌شدند و هدف برای آنان وسیله را توجیه می‌کرد. در چنین شرایط اسفبار و تلخی، که ابرار شکنجه می‌شدند و اشرار اکرام، ابرار زندانی بودند و اشرار حاکم، ابرار خانه‌نشین بودند و اشرار مشغول فساد و فتنه‌گری، امام حسین (ع) راه جد بزرگوار و پدر عالی‌مقدار و برادر ارجمند خود را ادامه می‌دهد و در این راه، کوچک‌ترین تردیدی به خود راه نمی‌دهد و برای حاکمیت اسلام، جان‌فشانی می‌کند. بنابراین، توجه به این ظرافت‌ها خود بهترین سرمایه برای نظام اسلامی و چراغ راهنما برای تجزیه و تحلیل نهضت کربلا- و قیام عاشورا و سیر حرکت آن امام، در طول دوران امامت است: علیهم‌السلام قدس سره پاسخ استیضاح‌گونه به نامه معاویه و انتقاد شدید از عملکرد و رفتار زشت و ناپسند او و نیز توضیح خواستن درباره جنایت‌های بی‌شماری که به نام اسلام و قرآن و خلافت اسلامی انجام می‌گرفت و طرح پرسش‌های اساسی در این زمینه، بخشی از این مبارزه و موضع‌گیری و افشاگری قاطع امام (ع) را در برابر جنایات وحشیانه باند اموی نشان می‌دهد؛ مانند: «ا ولست قاتل حجر». علیهم‌السلام رضی‌الله‌عنه دعوت امام (ع) در سرزمین‌ها از این نوع فعالیت حکیمانه و مدبرانه و هدایت‌گرانه امام (ع) بود و به نظر می‌رسد که حضرت در پی‌گیری آرمان‌ها و اهداف، انتخاب راهبرد و نیز شیوه‌ها و روش‌های رفتاری، از حداکثر عقل و حکمت و تدبیر و توکل بهره برده، با هوشیاری و دل‌سوزی لازم و تیزبینی عمیق، که ویژه رهبران الهی است، برنامه خود را تنظیم کرده و در راه تحقق اهداف الهی، امور را تمشیت می‌فرمود. در این بخش، امام با تأکید بر استفاده از اصول مربوط به تقیه، استتار، حفظ نیروها، حفظ سرمایه‌ها و ضرورت پاسداری از ارزش‌ها، در راه اضمحلال و سقوط نظام طاغوتی و افشای ماهیت شیطانی و اموی حرکت می‌کرد. موضوع تقیه، که همواره یک مسأله زنده و پویا در فرهنگ اسلام و فقهات اهل‌بیت و پیروان آن بزرگواران است، در سیره و مکاتبات اباعبدالله (ع) نیز در همان مسیر حقیقی خود، رخ می‌نماید و چهره و نمودها و نمادها و مظاهر آن آشکار می‌گردد و این ذهنیت منفی و غلط، که احیاناً بهانه‌ای می‌شود برای فرار از مسؤولیت و فدا کردن دین و ارزش‌های دینی، به بهانه عمل به اصل استوار قرآنی و برهانی در زمینه تقیه، از بین می‌رود. تقیه در حقیقت، انجام دادن خردمندانه و حکیمانه مسؤولیت است، نه فرار از مسؤولیت. تقیه برای صیانت از اسلام و نیروهای وفادار و مؤمن است، نه برای فدا کردن اسلام و یا مؤمنان راستین. تقیه سپر مؤمن است و ابزار دفاعی و پدافندی. تقیه روش و شیوه مبارزاتی معقول و آگاهانه است. قرآن کریم در سوره مبارکه انفال، آیات ۱۴ و ۱۵ می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اذا لقیتم الذین کفروا زحفاً فلا تولوهم الأدبار و من یولهم یؤمئذ دبره الا متحرفاً لقتال او متحیزاً الی فئه ففقد بآء بغضب من الله و مأویه جهنم و بس المصیر». ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با انبوه کافران، در میدان نبرد روبه‌رو شوید، به آنان پشت نکنید و هر کس در آن هنگام به آنان پشت کند، مگر آن‌که هدفش کناره‌گیری از میدان، برای حمله مجدد و یا به قصد پیوستن به گروهی دیگر باشد، به غضب خدا گرفتار خواهد شد و جایگاه او جهنم است و چه بد سرانجامی است. درس کلی این آیات کریمه، در مبارزه با کفر و شرک و نفاق، درس مبارزه، پایداری، مقاومت، جهاد و مجاهدت است؛ اما شیوه‌های، مبارزه، با توجه به شرایط، ضرورت‌ها، نیازها، امکانات و خطرهای تابع آن شرایط

است. هدف و راهبرد یکی است؛ اما روش‌ها با توجه به شرایط زمان و مکان متغیر است. در هیچ حالی پشت کردن به دشمن جایز نیست، بلکه روش مبارزه، دگرگون خواهد شد. تسلیم شدن در برابر دشمن، پشت کردن به جبهه جهاد فی سبیل الله، ارتداد از دین، انحراف محوری، هضم و جذب در بیگانگان، خودباختن و یا عقب‌نشینی از مبانی، اصول، اهداف و آرمان‌ها هرگز نه پسندیده است و نه پذیرفته. اما تغییر جبهه‌ها و خاکریزها، معبرها و پایگاه‌ها، روش‌ها و سیاست‌های مبارزه، در بستر زمین و زمان، همواره تغییر و تحول و انعطاف‌پذیر است و در این راه، جنگ و صلح، دو روی یک سکه‌اند و هر دو، وسیله‌ای برای رسیدن به یک هدف. سخنان نورانی حضرت اباعبدالله (ع) تبلور این موضوع، این پاسداری از ارکان و جوهره اسلام را به خوبی نشان می‌دهد و مراحل یک مبارزه و جهاد همه‌جانبه، آگاهانه و مستمر را ترسیم می‌کند و ابعاد و حوزه‌های گوناگون یک نهضت را ارائه می‌کند. امام (ع) در جلسه منا به سیاست‌های پنهان‌کاری و رازداری و فعالیت‌های هشیارانه و حساب‌شده و استوار اشاره و بر آن تأکید می‌فرماید. سخن از ترک وظیفه یا سستی در انجام وظایف محوله یا فرار از مسئولیت نیست، بلکه سخن از ایجاد یک جریان سالم، سازنده، ریشه‌دار، وفادار و متعهد و ارتباط عناصر اصلی این جریان با یکدیگر است. البته تا چنین جریان هدایت شده و مؤثری به رهبری امام (ع) در پیکره دنیای اسلام به وجود نیاید و مدیریت و رهبری نشود، امکان پیروزی حق و نابودی باطل وجود ندارد. دربار خلافت اموی، با همه ابزارهای روا و ناروا و همه وسایل قدرت و ثروت و زور و تزویر، کوشید تا اسلام را آن‌چنان که خود می‌خواهد، معرفی کند، چهره اهل بیت و امیرالمؤمنین (ع) را تخریب کند، راه اسلام را منحرف و سنت‌ها را از بین ببرد و بمیراند و بدعت‌ها را زنده کند. در برابر این جریان فاسد و طغیان‌گر و بدعت‌گذار، باید برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کرد، تدبیر کرد، سازماندهی کرد، مردم را بسیج کرد، به مردم آگاهی داد، افکار عمومی را بیدار ساخت، خطر دشمن را برشمرد، راه را نشان داد و روشن‌گری و افشاگری کرد. البته از سپر تقیه و روش رازداری و کتمان اسرار و اطلاعات نیز باید استفاده کرد و از اصل غافل‌گیری بهره برد و حتی المقدور نیروها را حفظ کرد تا توفیق بیش‌تری به دست آید و خطر کم‌تری عناصر اصلی نهضت را تهدید کند. علیهم‌السلام علیها‌السلام در مرحله بعد، امام (ع) دعوت خود را علنی و مخالفت و مبارزه خود را آشکار ساخت، با قاطعیت در برابر خواست دستگاه جبار بنی‌امیه‌ایستاد و با صلابت به آنان نه گفت و حکومت فاسد و غاصب آنان را به رسمیت نشناخت، که این بخش، بیش‌تر پس از مرگ معاویه ظهور کرد. پیش از مرگ او نیز امام (ع) هرگز تن به ذلت بیعت با یزید نداد و این ننگ را بر دامان اسلام نپذیرفت. پس از فوت او نیز با قاطعیت وصف‌ناپذیری در برابر خواست‌های نا حق و استبداد دستگاه حاکمه ایستاد. در این جا ممکن است این پرسش مطرح شود که چرا امام (ع) در این مقطع نیز از اصل تقیه و پنهان‌کاری استفاده نکرد. پاسخ آن است که: اولاً مسائل، دیگر علنی شده بود. ثانیاً امام در برابر تجاوز وحشیانه آنان به حریم اسلام، تنها راه را مبارزه و مقابله می‌دید. ثالثاً تکلیف امام با مردم عادی، به نوعی متفاوت است. همان‌گونه که حفظ جان امام با جان مردم عادی فرق می‌کند و همه باید فدایی امام باشند، در مقام تقیه نیز حساب افراد عادی با امام متفاوت است و تسلیم شدن امام، به معنای انحراف کلی جامعه از مسیر صحیح است. بر خلاف تسلیم شدن افراد معمولی، که چه بسا کار غلطی باشد؛ اما آثار تخریبی و سیاسی بیعت امام را هرگز ندارد. علیهم‌السلام رحمهم الله در هر صورت، در برابر شگردهای دشمن باید از شیوه‌ها و شگردهای مناسب استفاده کرد تا هر چه بیش‌تر خطر را دفع و دشمن را خلع سلاح کرد. باید از همه ابزار و ادوات و شیوه‌های اصیل اسلامی و حکیمانه، در راه اهداف بلند قرآنی استفاده کرد و حرکت سازندگی و روشن‌گری دوستان و افشاگری دشمنان را با جدیت و در عین حال، در کمال مراقبت و هشیاری دنبال کرد. این رسالت ائمه اطهار (ع) و همه اولیای خداوند متعال و علمای ربانی تا قیامت است. در روایت بسیار ارزنده‌ای آمده است: المؤمن علوی، الی ان قال: المؤمن مجاهد، لانه یجاهد اعداء الله فی دولة الباطل بالتقیة و فی دولة الحق بالسیف. [۳۳] مؤمن علی گونه است و صفات علوی دارد. مؤمن اهل جهاد در راه خدا است؛ زیرا او علیه دشمنان خدا، در دولت حق با شمشیر و در دولت باطل با تقیه جهاد می‌کند. علیهم‌السلام قدس سرهم در این جا دو مطلب و دو اصل مهم دیگر وجود

دارد که توجه به آن‌ها بسیار مفید و لازم است: الف. اصل تقدم پیش‌گیری بر درمانب. اصل مبارزه با ریشه‌ها و علل، به جای مبارزه با معلول‌ها.

## پاورقی

- [۱] نساء، آیه ۶۹.
- [۲] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۲.
- [۳] موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، ص ۲۵۳.
- [۴] موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، ص ۲۷۱.
- [۵] تحف العقول، ص ۲۳۷.
- [۶] مائده، آیه ۶۳.
- [۷] همان، آیه ۷۸ و ۷۹.
- [۸] همان، آیه ۴۴.
- [۹] نهج البلاغه، خ ۱۴۷.]
- [۱۰] بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲۶، ح ۳.
- [۱۱] کافی، ج ۱، باب صفة العلم و فضله.
- [۱۲] تاریخ سیاسی تشیع، ص ۳۵ و ۳۷.
- [۱۳] نهج البلاغه، نامه ۲۷.
- [۱۴] همان، نامه ۱۶.
- [۱۵] توبه، آیه ۷۱-۷۳.
- [۱۶] وسائل الشیعه، ج ۲۷، باب وجوب العمل باحادیث النبی (ص).
- [۱۷] نهج البلاغه، خطبه ۳، ط ۳.
- [۱۸] توبه، آیه ۱۲۲.
- [۱۹] مائده، آیه ۷۸.
- [۲۰] نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۲۲۹.
- [۲۱] همان، ص ۴۲۲.
- [۲۲] اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴.
- [۲۳] ارشاد القلوب، ص ۱۹۴.
- [۲۴] توبه، آیه ۹.
- [۲۵] نهج البلاغه، نامه ۵.
- [۲۶] دعای ندبه.
- [۲۷] نهج البلاغه، نامه ۴۵.
- [۲۸] همان، خ ۱۹۲.
- [۲۹] احزاب، آیه ۳۳.



[۳۰] نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷.

[۳۱] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹ و ۳۳۰.

[۳۲] موسوعه کلمات الحسین (ع)، ص ۳۶۰ و ۳۶۱.

[۳۳] علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۶۷.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

(و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

(ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

(ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

(ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

(ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهنانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

